

جرايد / شعري از طاهره صفارزاده در سال ۵۸

۳۰ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۳۲

شریعت و دریا

تو خط رابط دریا بودی
 در انهدام جاهلیت صحرا
 در انهدام خشکی دشت
 دشت فلزی و ماشینی
 دشتی که آفتاب و سایه نداشت
 و در هوای نوزخی نوطه
 جوانه ها
 هنوز سر نژده
 می پز مردند
 میانه سالان
 اسیر برق سراب
 و پیرها
 دچار ذلت عادت بودند
 و از هراس حطه‌ی عاران
 سکوت
 زبور لبها
 اطاعت
 زینت گردن‌ها بود
 در آن زمان سترون
 در آن سترون تاریخی
 خروش رودخانه‌ای آمد
 از ارشاد
 از ارتفاع عقیده
 از ارتفاع جهاد
 شکوفه های جوان
 که پشت میز نبودند
 که اعتبار ریاست نداشتند
 ز بانگ رود تازه شدند
 و کوزه های تشنگی خود را
 به جایگاه شریعت بردند
 و گوهر ایمان را
 که تیره و کدر شده بود
 از افراق کهنگی و ایون شستند
 صدای صاف تو می آمد از «ارشاد»
 از تبعید
 از زندان
 سیم تو وصل بود

سیم تو
 پیمبرانه وصل بود
 به ناپیدا
 و سرسرای روح جوانان
 از ارتباط صدا پر می شد
 پر التهاب می شد
 آماده‌ی جواب می شد
 و چونکه دعوت قم آمد
 همه جواب شدند
 رود شدند
 روانه شدند
 و در مصب غیب بهم پیوستند
 در مصب غیب به همراهان پیوستند
 امام
 دستخط رهبری دریا را داشت
 و خلق
 دریا بود
 وضد ظلم بر آفت
 و بوجهای خروشان برآمدند
 و پایگاه اجانب را
 آنگونه‌ای که وعده‌ی حق بود
 در خون خویش زیر و زبر کردند
 و آن کویر سخ و غمزه را
 در ارتفاع عقیده
 در ارتفاع جهاد
 بدل به باغ شهادت کردند
 ای باغبان باغ شهادت
 تو بیشتر شهیدان بودی
 و جای تو خالیست
 جای تو در بهار رهایی
 جای تو در تداوم راه
 جای تو در قلمرو پروردن
 جای تو در قلمرو افشا کردن
 جای تو در کنار امام
 جای تو در همه جا خالیست
 طاهره صفارزاده اردیبهشت ۵۸
 * محل برداشتن آب از رودخانه

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/21270/شعري-جرايد/58-سال-صفارزاده-طاهره-شعري-جرايد>